

بررسی توسعه یافتگی مناطق روستایی استان سمنان

زیربنایی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی درمانی به روش تاکسونومی مورد تحلیل قرار داده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد:

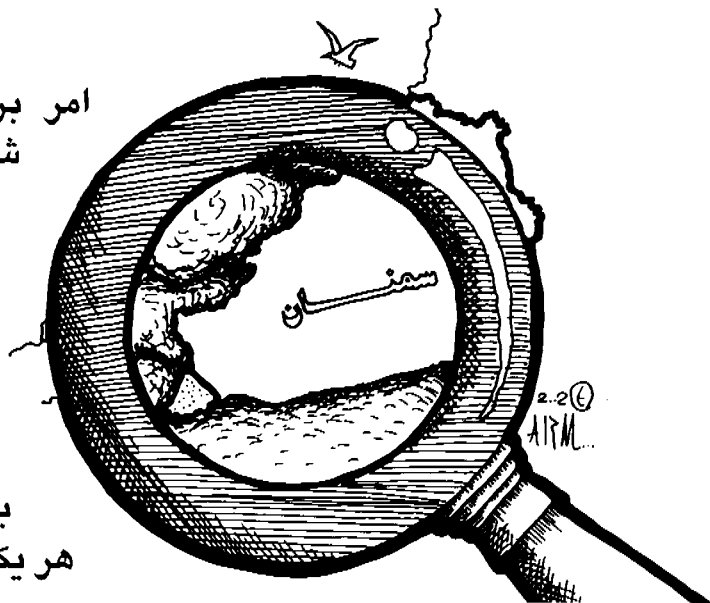
- ۱- در بین مناطق روستایی در سطوح شهرستانها، دو شهرستان برخوردار و دو شهرستان نیمه محروم می‌باشد.
- ۲- در مناطق روستایی در سطوح بخشها، از مجموع ۱۱ بخش استان، ۵ بخش برخوردار، ۳ بخش نیمه محروم و ۳ بخش محروم قلمداد می‌شوند. به عبارت دیگر تنها ۴۵/۴ درصد مناطق روستایی بخشهای استان برخوردار و مابقی، یعنی ۵۴/۶ درصد نیمه محروم و محروم مشخص شدند.
- ۳- در سطوح مناطق دهستانها، ۵ دهستان نسبت به سایرین از لحاظ سطوح توسعه ناهمگن هستند، ولی مناطق روستایی در سطوح شهرستانها و بخشها همگی همگن می‌باشد.
- ۴- در بین مناطق روستایی در سطح دهستانها، ۱۲ دهستان استان نیمه محروم و ۱۱ دهستان محروم شناخته شده‌اند. به طوری که ۵۲/۱ درصد نیمه محروم و ۴۹/۹ درصد محروم قلمداد می‌شوند.
- ۵- علاوه بر موارد فوق شکاف توسعه‌ای در مناطق روستایی در سطوح بین شهرستانی، بخشی و دهستانی مشهود است که این مهم بیانگر نبود تعادلهای منطقه‌ای و عدم توزیع امکانات در استان می‌باشد.

چکیده:

پیشبرد امر توسعه جز با استمرار مدیریتی هوشمندانه و همه جانبه مقدور نیست و برنامه‌ریزی به عنوان مجموعه‌ای از تدابیر تنظیم شده ابزار اصلی چنین مدیریتی است. به دلیل عدم شناسایی دقیق ابعاد نابرابریها و سیاستهای اجرایی نامناسب در نظام برنامه‌ریزی کشور از یکسو برنامه‌ریزی ملی و بخشی در اکثر موارد پاسخگوی نیازمندیهای مناطق کشور نمی‌باشد و از سوی دیگر برنامه‌ریزی شهری و روستایی بدون توجه به روابط ارگانیکی هر یک از آنها با فضای منطقه‌ای که شهر و یا روستا در آن واقع است، به هیچ وجه پاسخگوی توسعه هماهنگ شهر و روستا نخواهد بود. بنابراین نخستین قدم در برنامه‌ریزی و خصوصا در برنامه‌ریزی توسعه روستایی به دلیل گستره جغرافیایی، محدودیتهای زیربنایی و پراکندگی جمعیت، شناخت صحیح از وضعیت فعلی آن مناطق می‌باشد. در این پژوهش درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی استان سمنان مورد بررسی قرار گرفته و به تفکیک سطوح شهرستان بخش و دهستان رتبه بندی گردیده‌اند. تحقیق حاضر ۴۴ شاخص توسعه را در ابعاد توسعه جمعیتی



امر برنامه ریزی روستایی بدون شناخت واقعی جایگاه مناطق روستایی امکان پذیر نخواهد بود؛ بنابراین لازم است قبل از برنامه ریزی توسعه روستایی و حتی قبل از تعیین هدف توسعه روستایی جایگاه و یا به عبارتی، سطح توسعه فعلی هر یک از روستاها مشخص گردد.



۱- مقدمه:

دانشمندان علوم اجتماعی از توسعه تعاریف متعددی ارائه کرده اند. گونار میردال^۱ می گوید توسعه یعنی فرایند دور شدن از توسعه نیافتگی، یعنی رهایی از چنگال فقر؛ راه رسیدن بدین مقصود و شاید آنچه که عملاً موجب کامیابی در این راه شود عبارت است از برنامه ریزی به منظور توسعه. (میردال، ۱۳۶۶ ص ۳۱۵).

مایکل تودارو^۲ معتقد است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ بانایزهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی خارج شده به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می یابد. (تودارو، ۱۳۶۶ ص ۱۳۵)

محققاً هرگونه هدف و راهبرد که در راستای کاهش نابرابریها و ریشه کن کردن فقر و تنگدستی و کاهش فاصله فقیر و غنی عمل نکند، نمی تواند هدف و راهبرد موفقی برای ایران و بلکه کشورهای جهان سوم باشد. اصولاً برنامه ای که هدف خود را مصرف رشد اقتصادی و افزایش مخصوصاً درآمد ناخالص ملی می کند، قطعاً از هدفهای عمده اجتماعی باز می ماند و طبقاتی شدن جامعه و افزایش فشار بر اقشار آسیب پذیر که عمدتاً شاخصهای

در روستاها ساکن اند و گسترش نابرابریها نتیجه محتوم چنین برنامه ای خواهد بود. بنابراین، هنگامی یک برنامه با عنوان برنامه توسعه می تواند به موفقیت نایل شود که همزمان با رشد اقتصادی و افزایش بهره وری، کاهش نابرابریهای اجتماعی - اقتصادی و ابعاد زیست محیطی را نیز هدف اساسی قرار دهد. مقوله توسعه به هر مفهومی عبارت است از: ارتقای ظرفیتهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای محسوس جامعه، افزایش بهره برداری از امکانات و قابلیت های اجتماعی در جهت رشد و تعالی جامعه. پیشبرد امر توسعه جز با استمرار مدیریتی هوشمندانه و همه جانبه مقادور نیست و برنامه ریزی به عنوان مجموعه ای از تدابیر تنظیم شده ابزار اصلی چنین مدیریتی است و گویی پیشرفت آن مترادف است با تسهیل و تسریع روند توسعه. (آسایش، ۱۳۷۴ صص ۹ و ۸)

امر برنامه ریزی روستایی بدون شناخت واقعی جایگاه مناطق روستایی امکان پذیر نخواهد بود؛ بنابراین لازم است قبل از برنامه ریزی توسعه روستایی و حتی قبل از تعیین هدف توسعه روستایی جایگاه و یا به عبارتی، سطح توسعه فعلی هر یک از روستاها مشخص گردد.



کلیدی از روشهای مختلفی می توان استفاده کرد که یکی از روشها آنالیز تاکسونومی^۳ می باشد. (آسایش، ۱۳۷۵ ص ۱۰۵)

برای بهبود و ارتقای سطح زندگی روستاییان، تنها بالا بردن قدرت تولید و خرید روستاییان کافی نیست؛ بلکه باید در زمینه آموزش، بهداشت، امکانات زیربنایی، تشکیل سرمایه انسانی و فیزیکی و ... نیز اقداماتی صورت پذیرد.

با توجه به اینکه مهمترین قدم در برنامه ریزی توسعه روستایی تعیین اهداف توسعه و از جمله کاهش عدم تعادل ها می باشد، با تعیین درجات توسعه هر یک از مکان ها از طریق روش تاکسونومی تشخیص جهت و نوع توسعه امکان پذیر می باشد. (آسایش، ۱۳۷۵ ص ۱۰۶) به این ترتیب ضعف و قوت مناطق روستایی از جهت شاخصهای مختلف توسعه، مشخص شده و این امر می تواند برای مسئولان و برنامه ریزان در زمینه تعیین اولویتهای مربوط به طرحهای مختلف توسعه، راهگشا باشد.

۱-۱- طرح مسأله:

در برخی از مناطق به خصوص مناطق روستایی توسعه و توسعه یافتگی با چالشهای متعددی روبه روبرو بوده و هست، به طوری که اینک شاهد مهاجرت بی رویه فقر گسترده، نابرابری و بی عدالتی فزاینده، رشد بیکاری، بهره وری پایین و حتی بهره وری منفی نیروی کار، ضایعات بالای محصولات کشاورزی در این مناطق هستیم و البته باید ریشه این امر را در عملکرد ناکارایی نهادهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رکود کشاورزی، رشد جمعیت و سیاستهای تبعیضی شهر و روستا جستجو کرد و برای آن راه حل های اساسی پیدا کرد. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰ ص ۹)

۱-۲- اهمیت و ضرورت

در مناطق روستایی و خصوصاً در کشورهای جهان سوم به وضوح عدم تناسب بین میزان و تقاضای خدمات و تأسیسات را می توان مشاهده کرد. (تقوایی، ۱۳۷۷ ص ۱۵۸)

به دلیل عدم شناسایی دقیق ابعاد نابرابری و سیاستهای اجرایی نامناسب در نظام برنامه ریزی کشور، در عمل دیده شده که از یک سو برنامه ریزی ملی و بخشی در اکثر موارد پاسخگویی نیازمندیهای مناطق کشور نمی باشد و از سوی دیگر برنامه ریزی شهری و روستایی، بدون توجه به روابط ارگانیک هر یک از آنها با فضای منطقه ای که شهر یا روستا در آنها واقع است، به هیچ وجه پاسخگویی توسعه هماهنگ شهر و روستا نخواهد بود. (آسایش، ۱۳۷۵ صص ۶۵ و ۶۴)

بنابراین نخستین قدم در برنامه ریزی توسعه روستایی به دلیل گستره جغرافیایی، محدودیتهای زیربنایی و پراکندگی جمعیت شناخت صحیح از وضعیت فعلی آن مناطق می باشد در نتیجه می توان گفت برنامه ریزی منطقه ای در اثر یک ضرورت بنیادی مطرح شده و می تواند با استفاده از

منابع و امکانات ویژه منطقه، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در جهت تأمین نیازهای اساسی، ضرورت های توسعه و اولویت منطقه قدم بردارد.

۱-۳- اهداف تحقیق

برنامه براساس شناخت دقیق از امکانات بالقوه و بالفعل و استفاده از مطلوبترین تکنیکها تهیه می شود. در برنامه ریزی منطقه ای هدف برای برنامه ریزان استفاده بهینه از منابع و توانهای منطقه می باشد که موجب برطرف شدن فقدان تعادل های منطقه ای می گردد. قابلیت منطقه برای توسعه آتی بستگی به توانهای محیطی و منابع لازم توسعه آن مناطق دارد. (آسایش، ۱۳۷۵ ص ۷۱)

در این تحقیق شناخت وضعیت موجود مناطق روستایی هر یک از شهرستانها، بخشها و دهستانهای استان سمنان از جهت برخورداری از ۲۴ شاخص مختلف توسعه هدف اصلی بوده و این امر می تواند برای مسئولان و برنامه ریزان استان در زمینه تعیین اولویت های مربوط به طرحهای مختلف توسعه راهگشا باشد. از جمله اهداف دیگر این پژوهش:

- ۱- تعیین همگنی مناطق روستایی شهرستانها، بخشها و دهستانهای استان سمنان.
- ۲- سنجش درجه توسعه یافتگی و محرومیت مناطق روستایی در سطوح، شهرستانها، بخشها و دهستانهای استان سمنان.

۱-۴- روش تحقیق

رویکرد حاکم بر این تحقیق روش توصیفی تحلیلی است که واحد تحقیق آن در سطوح شهرستانها، بخشها و دهستانها می باشد و از منابع کتابخانه ای همچون شناسنامه دهستانهای کشور براساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵ بهره گرفته شده است. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵ صص ۱۳-۱) همچنین عملیات آماری در نرم افزار EXCEL محاسبه گردیده است.

۲- معرفی روشهای تاکسونومی

یکی از روشهایی که برای منطقه بندی و رتبه بندی نواحی و برآورد توانها و امکانات بالقوه و نیازهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد، کاربرد شاخصهای مختلف اقتصادی و اجتماعی است. در این رابطه تعداد زیادی از شاخصها وجود دارد که به منظور محدود کردن آنها و انتخاب شاخصهای کلیدی از روشهای مختلف می توان استفاده کرد که از آن جمله می توان به روشها و تکنیکهای زیر اشاره نمود:

- ۱- روش آنالیز خوشه ای
- ۲- روش آنالیز عوامل (آنالیز جریانها)^۴ - آنالیز جاذبه ها^۵

زندگی روستاییان، تنها بالا بردن قدرت تولید و خرید در زمینه کافی نیست؛ بلکه باید در زمینه آموزش، بهداشت، تشکیل سرمایه انسانی و فیزیکی و ... نیز اقداماتی صورت پذیرد.

در روش تاکسونومی به منظور طبقه بندی و گروه بندی نواحی، شاخصهای مختلف مرتبط با مسائل برنامه ریزی توسعه مناطق در نظر گرفته می شود و پس از انجام محاسبات لازم، ابتدا مناطق همگن تعیین می شود. پس از آن در داخل هر گروه همگن، نواحی یا مناطق رتبه بندی شده و درجه توسعه هر یک از آنها مشخص می گردد. در مرحله بعدی جهت رفع عدم تعادل بین مناطق، هدفهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت برنامه توسعه هر ناحیه به تفکیک شاخصهای انتخاب شده، تعیین می شود. (آسایش، ۱۳۷۵ صص ۱۰۵ و ۱۰۶)

۲-۱- روش تاکسونومی: از میان روشهای مختلف درجه بندی مناطق از لحاظ توسعه یافتگی روش آنالیز تاکسونومی می باشد. آنالیز تاکسونومی برای طبقه بندیهای مختلف در علوم بکار برده می شود. نوع خاص آن تاکسونومی عددی است که بنا به تعریف ارزیابی عددی شباهتها و نزدیکیها بین واحدهای تاکسونومیک و درجه بندی آن عناصر به گروههای تاکسونومیک می باشد. این روش اولین بار توسط آندرسون در سال ۱۷۶۳ میلادی پیشنهاد شد و در سال ۱۹۶۸ به عنوان وسیله ای برای طبقه بندی و درجه توسعه یافتگی بین ملل مختلف توسط پرفسور هلونگ از مدرسه عالی اقتصاد در یونسکو مطرح شد. این روش کلاً یک روش عالی درجه بندی، طبقه بندی و مقایسه کشورها یا مناطق مختلف با توجه به درجه توسعه و مدرن بودن آنها می باشد و همچنین روشی است که یک مجموعه را به زیرمجموعه کم و بیش همگن تقسیم کرده و یک مقیاس قابل قبول برای بررسی و سنجش میزان توسعه یافتگی نواحی در اختیار برنامه ریزان قرار می دهد.

تکنیک مورد نظر شامل چندین مرحله

عملیاتی است که به هر دو شیوه

محاسبه دستی و کامپیوتری قابل

اجرا است. با توجه به این که

مهمترین قدم برنامه ریزی

توسعه روستایی

تعیین اهداف توسعه و از

جمله کاهش عدم

تعادلها می باشد، با

تعیین درجات توسعه،

هر یک از مکانها از

طریق روش مورد بحث، تشخیص

جهت و نوع توسعه امکان پذیر

می باشد. (آسایش، ۱۳۷۵ صص ۱۰۶)

بدانیم توسعه یافتگی، یک تابع افزایشده از آن متغیر است؛ در صورتی که توسعه یافتگی یک تابع کاهشده از آن متغیر باشد، باید بزرگترین مقدار منفی استاندارد شده از ماتریس را در هر ستون در نظر بگیریم. به منظور رتبه بندی مناطق مختلف با توجه به شاخص های متفاوت به ترتیب زیر عمل می شود:

مرحله اول، تشکیل ماتریس داده ها: با استفاده از جداول آماری شاخص های ماتریس را تشکیل می دهیم و سپس میانگین و انحراف معیار هر ستون را محاسبه می کنیم.

مرحله دوم، تشکیل ماتریس استاندارد برای همسان سازی اطلاعات: از آنجایی که هر یک از عضوهای ماتریس در شاخصهای مختلفی که لزوماً واحدهای یکسانی ندارند، دلالت دارد؛ نیاز به از بین بردن مقیاس های متفاوت شاخص احساس می شود. در اصطلاح هرگاه از متغیری میانگین را کم نموده و برانحراف معیارش تقسیم نماییم می گوئیم که آن را استاندارد کرده ایم. از مشخصات ماتریس استاندارد این است که انحراف میانگین یا انحراف معیار هر ستون برابر با یک و میانگین هر ستون برابر صفر است.

مرحله سوم، محاسبه فواصل مرکب: هرگاه داده ستون اول را ابتدا از داده ستون دوم کم کنیم و سپس داده ستون اول را از ستون سوم کم کرده ادامه دهیم تا به انتهای ستون برسیم و این کار را برای کلیه ستون ها انجام دهیم، سپس اعداد به دست آمده را به صورت افقی به توان ۲ رسانده با هم جمع کنیم و سپس جذر آنها را بگیریم، فاصله هر منطقه از مناطق بعدی خود بدست می آید.

مرحله چهارم، تعیین کوتاه ترین فاصله: در این مرحله با توجه به ماتریس فواصل، کوتاه ترین عدد هر ردیف افقی را پیدا می کنیم.

مرحله پنجم، تعیین مناطق همگن: برای تعیین همگن بودن مناطق، کمترین مقدار فواصل را در هر سطر از ماتریس مشخص نموده (به استثنای عدد صفر) و سپس میانگین و انحراف معیار کمترین مقادیر را محاسبه می کنیم و بعد از آن

فواصل حد بالا (d) و حد پایین

(d) را طبق فرمول محاسبه

می کنیم. مناطقی که

فواصل آنها مابین دو

حد قرار می گیرد و

مناطقی که بالاتر از (d+)

باشد بیانگر این است که

هیچ نوع تشابهی از

لحاظ توسعه بین

این مناطق و بقیه مناطق وجود ندارد و مناطقی که پایین تر از (d) قرار

می گیرند نیز مناطقی هستند که طول فاصله آنها کمتر از آن حدی است

که بتوان تفاوتی بین دو منطقه نشان دهند و تمام مناطق بالای حد (d+)

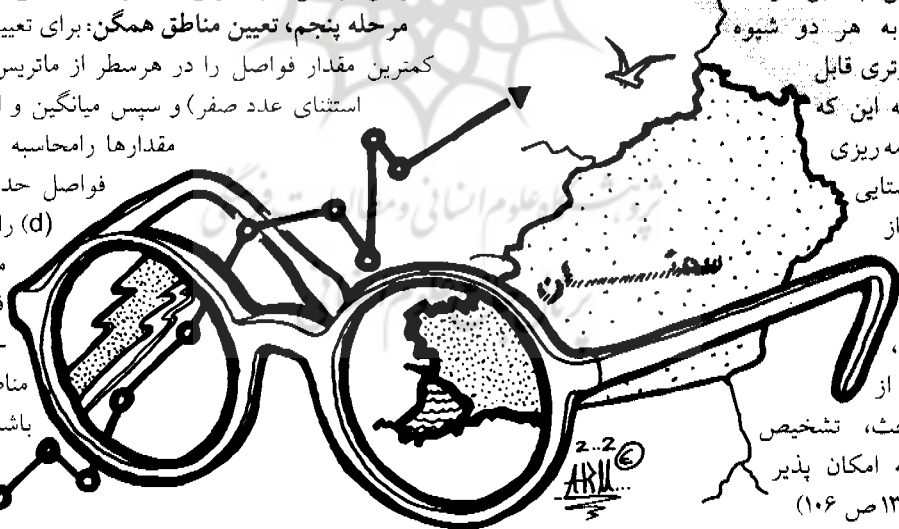
و پایین حد (d-) از نظر فاصله حذف می شوند.

مرحله ششم، اگر تمام مناطق در مرحله قبل در یک گروه همگن

قرار نگیرند در این صورت مناطق حذف می شوند که باید از ابتدا شروع

کرد و ماتریس X را با مناطق باقی مانده مجدداً تشکیل داده و ماتریس ج را

و ماتریس فاصله را مجدداً تشکیل داد.



۲-۲- آنالیز تاکسونومی عددی^۷ (روش کار)

در برنامه ریزی، انتخاب هدف، همیشه اولین عامل است و هدف در برنامه ریزی ناحیه ای ممکن است یکسان کردن درجه توسعه یافتگی نواحی باشد. از این لحاظ و برای برنامه ریزی به منظور یکسان کردن نواحی می توانیم برای هر متغیر در هر ناحیه، مقدار را به عنوان مقدار مطلوب در نظر بگیریم؛ بدین ترتیب که در هر ستون از ماتریس، بزرگترین مقدار استاندارد شده را بدست می آوریم، به شرطی که

آخرین مرحله در روش تاکسونومی رتبه بندی مناطق است که برای این کار از ماتریس z استفاده می‌کنیم. در این مرحله بالاترین مقدار هر ستون را به عنوان مقدار کم نموده و به عنوان مقدار بهینه انتخاب کرده و هر کدام از عناصر آن ستون را (که دلالت بر مناطق دارند) از بالاترین مقدار کم نموده و به توان 2 می‌رسانیم. این عمل را برای تمامی ستون‌ها انجام می‌دهیم بنابراین ما یک ماتریس $n \times m$ خواهیم داشت. مجموع سطرها را در این ماتریس محاسبه نموده و از آن جذر می‌گیریم بنابراین یک بردار n ستونی به وجود خواهد آمد. برای تعیین درجه توسعه یافتگی باید مقدار f_i را محاسبه نمود. در این مرحله استفاده از رابطه f_i درجه توسعه یافتگی مناطق مشخص می‌شود. درجه توسعه یافتگی عددی بین صفر و یک خواهد بود.

هرچه f_i به صفر نزدیک تر باشد، منطقه موردنظر توسعه یافته تر و هر چقدر f_i به یک نزدیک باشد دلیل بر عدم توسعه یافتگی آن منطقه است. پس از محاسبه f_i بقیه مناطق را به ترتیب درجه توسعه یافتگی مرتب کرده در جدولی قرار می‌دهیم. (جهت اطلاع بیشتر مراجعه کنید به منبع شماره ۹)

۳- معرفی شاخصهای توسعه موردنظر این پژوهش

آمار و اطلاعات مربوط به ۴۴ شاخص موردنظر براساس نتایج تفصیلی جدیدترین سرشماری کشور تهیه و در روش تاکسونومی بکار گرفته شد این شاخصها به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- تعداد آبادیهای دارای سکونت دائم (f1)
- ۲- تعداد جمعیت ساکن (f2)
- ۳- تعداد جمعیت باسواد (f3)
- ۴- تعداد مرد باسواد (f4)
- ۵- تعداد زن باسواد (f5)
- ۶- تعداد جمعیت مرد و زن در حال تحصیل (f6)
- ۷- تعداد جمعیت مرد در حال تحصیل (f7)
- ۸- تعداد زن در حال تحصیل (f8)
- ۹- تعداد جمعیت زن و مرد شاغل (f9)
- ۱۰- تعداد جمعیت مرد شاغل (f10)
- ۱۱- تعداد جمعیت زن شاغل (f11)
- ۱۲- برخورداری از راه آهن و ایستگاه (f12)
- ۱۳- برخورداری از راههای آسفالت (f13)
- ۱۴- برخورداری از راههای شوسه (f14)
- ۱۵- برخورداری از حمام (f15)

- ۱۶- برخورداری از مرکز بهداشتی (f16)
- ۱۷- برخورداری از داروخانه (f17)
- ۱۸- برخورداری از خانه بهداشت (f18)
- ۱۹- برخورداری از پزشک (f19)
- ۲۰- برخورداری از دندانپزشک (f20)
- ۲۱- برخورداری از دندانپزشک تجربی (f21)
- ۲۲- برخورداری از بهیار و ماما (f22)
- ۲۳- برخورداری از بهداشتیاریار (f23)
- ۲۴- برخورداری از بهورز (f24)
- ۲۵- برخورداری از دامپزشک (f25)
- ۲۶- برخورداری از آب لوله کشی (f26)
- ۲۷- برخورداری از برق (f27)
- ۲۸- برخورداری از گازکشی (f28)
- ۲۹- برخورداری از شورای روستایی (f29)
- ۳۰- برخورداری از مرکز خدمات روستایی (f30)
- ۳۱- برخورداری از شرکت تعاونی (f31)
- ۳۲- برخورداری از پاسگاه نیروی انتظامی (f32)
- ۳۳- برخورداری از پایگاه مقاومت بسیج (f33)
- ۳۴- نسبت برخورداری از امواج رادیویی (f34)
- ۳۵- برخورداری از رادیویی - موج متوسط (f35)
- ۳۶- برخورداری از شبکه اول (f36)
- ۳۷- برخورداری از شبکه دوم (f37)
- ۳۸- برخورداری از شبکه سوم (f38)
- ۳۹- برخورداری از صندوق پستی (f39)
- ۴۰- برخورداری از نمایندگی پست (f40)
- ۴۱- برخورداری از تلگراف (f41)
- ۴۲- برخورداری از تلفن (f42)
- ۴۳- برخورداری از وسایل نقلیه (f43)
- ۴۴- برخورداری از روزنامه و مجله (f44)

۴- تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی هر یک از شهرستانهای استان سمنان

۴-۱ نتایج و بحث:

استان سمنان دارای چهار شهرستان به نامهای دامغان، سمنان، شاهرود، گرمسار می‌باشد. از لحاظ جمعیت ساکن در نقاط روستایی استان برحسب شهرستان، بیشترین جمعیت متعلق به شهرستان شاهرود با (۸۲۳۴۷ نفر) و کمترین متعلق به شهرستان سمنان با (۲۱۷۳۶ نفر) اعلام

جدول ۴-۱-۴ رتبه بندی مناطق روستایی شهرستانهای استان سمنان

وضعیت	درصد	رتبه	نام شهرستان	درجه توسعه یافتگی
برخوردار	۵۰	۱	شاهرود	۰/۲۳۲
$F_i < 0/6$		۲	دامغان	۰/۵۲۸
نیمه محروم	۵۰	۳	سمنان	۰/۶۸۰
$F_i = 0/6 - 0/8$		۴	گرمسار	۰/۷۴۲

گردیده است. با استفاده از روش تاکسونومی عددی و اطلاعات جمع آوری شده و با بهره‌گیری از ۴۴ شاخص توسعه، میزان توسعه‌یافتگی مناطق روستایی در سطح چهار شهرستان مورد محاسبه و سنجش قرار گرفت.

نتایج حاصله بیانگر آن است که همه مناطق روستایی در سطح شهرستانها از لحاظ سطح توسعه همگن ۸ تلقی می‌شوند. مناطق روستایی در سطوح شهرستان، بخش، دهستان به سه دسته برخوردار (۰/۶۶-۰)، نیمه برخوردار (۰/۶۸-۰/۶۶) و محروم (۰/۸-۰/۶۸) دسته‌بندی شده‌اند. در بین مناطق روستایی شهرستانهای استان سمنان شهرستان شاهرود با ۰/۲۳۳ درجه توسعه، توسعه یافته‌ترین و گرمسار با ۰/۷۴۲ درجه توسعه، توسعه نیافته‌ترین شهرستان محسوب می‌شود. همچنین در بین مناطق روستایی شهرستانهای استان دو شهرستان برخوردار و دو شهرستان به عنوان شهرستانهای نیمه محروم مشخص شده‌اند. لازم به ذکر است که مناطق روستایی هیچ شهرستانی در رده محروم قرار نگرفته است. (جدول شماره ۱-۱-۴)

۵- تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی بخشهای استان سمنان

۵-۱- بحث و نتایج

استان سمنان دارای ۱۱ بخش می‌باشد که شهرستان شاهرود با دارا بودن ۴ بخش بیشترین تعداد بخش را در سطح استان به خود اختصاص داده است.

درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی بخشهای استان سمنان از طریق روش تاکسونومی محاسبه گردید که نتایج حاصل براساس ۴۴ شاخص توسعه در جدول گنجانده شده است. همه مناطق روستایی در سطح بخشها از لحاظ سطح توسعه همگن تشخیص داده شدند. توسعه یافته‌ترین مناطق روستایی بخشهای استان مربوط به بخش میامی شاهرود با ۰/۴۱۵ درجه توسعه و محرومترین مناطق روستایی مربوط به بخش ایوانکی گرمسار با ۰/۹۵۱ درجه توسعه می‌باشد. از مجموع ۱۱

در روش تاکسونومی به منظور طبقه بندی و گروه بندی نواحی، شاخصهای مختلف مرتبط با مسائل برنامه ریزی توسعه مناطق در نظر گرفته می شود و پس از انجام محاسبات لازم، ابتدا مناطق همگن تعیین می شود. پس از آن در داخل هر گروه همگن، نواحی یا مناطق رتبه بندی شده و درجه توسعه هر یک از آنها مشخص می گردد. در مرحله بعدی جهت رفع عدم تعادل بین مناطق، هدفهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت برنامه توسعه هر ناحیه به تفکیک شاخصهای انتخاب شده، تعیین می شود.

بخش استان، ۵ بخش برخوردار، ۳ بخش نیمه محروم و ۳ بخش محروم هستند. میزان توسعه یافتگی Fi براساس دسته‌های برخوردار (۰/۶۰-۰)، نیمه محروم (۰/۶۸-۰/۶۶) و محروم (۰/۸-۰/۶۸) تقسیم بندی شده است. (جدول ۵-۱-۱) همچنین مناطق روستایی بخشهای مرکزی دامغان و مرکزی سمنان و یا بخشهای امیرآباد دامغان و بسطام شاهرود از لحاظ آنکه درجه توسعه یافتگی آنها نزدیک به یکدیگر است می توان این بخشها را به عنوان متشابه مدنظر گرفت افزون بر این مناطق روستایی بخشهای

جدول ۱-۱-۵ رتبه بندی مناطق روستایی بخشهای استان سمنان

رتبه	نام بخش	درجه توسعه یافتگی	وضعیت
۱	میامی شاهرود	۰/۴۱۵	برخوردار
۲	مرکزی دامغان	۰/۵۰۰	
۳	مرکزی سمنان	۰/۵۰۷	
۴	امیرآباد دامغان	۰/۵۱۳	
۵	بسطام شاهرود	۰/۵۷۶	
۶	مرکزی شاهرود	۰/۶۵۳	نیمه محروم
۷	آرادان گرمسار	۰/۶۸۹	
۸	مرکز گرمسار	۰/۷۱۴	
۹	مهدی شهرسمنان	۰/۸۰۸	محروم
۱۰	بیارجمند شاهرود	۰/۸۲۸	
۱۱	ایوانکی گرمسار	۰/۹۵۱	

مرکزی شاهرود و آرادان گرمسار و یا مهدی شهر سمنان و بیارجمند شاهرود به منزله بخشهای مشابه ۹ تلقی می شوند.

۴۵/۴ درصد از مناطق روستایی بخشهای استان سمنان (میامی، مرکزی دامغان، مرکزی سمنان، امیرآباد، بسطام) برخوردار و ۲۷/۳ درصد شامل سه بخش (مرکزی شاهرود، آرادان، مرکزی گرمسار) نیمه برخوردار و همچنین ۲۷/۳ درصد دیگر (مهدی شهر، بیارجمند، ایوانکی) محروم محسوب می شوند. همچنین نتایج حاصله بیانگر این مطلب است که در مناطق روستایی

شهرستانهای استان، شکاف توسعه ای بین بخشها وجود دارد؛ به نحوی که در داخل یک شهرستان بعضی بخشها برخوردار و برخی از بخشهای همان شهرستان نیمه محروم و یا محروم هستند. برای مثال، در شهرستان شاهرود ۲ بخش برخوردار، ۱ بخش نیمه محروم و ۱ بخش محروم دیده می شود. فقط در شهرستان دامغان هر دو بخش آن (مرکزی و امیرآباد) در یک طبقه (برخوردار) قرار گرفته اند که به دلیل عدم شکاف توسعه بین مناطق روستایی این دو بخش شهرستان دامغان می توان مناطق روستایی آن را متجانس فرض نمود.

جدول ۱-۶ رتبه بندی نواحی دهستانهای استان سمنان

وضعیت	درصد	رتبه	نام شهرستان	درجه توسعه یافتگی
برخوردار FI=۰-۰/۶۰۰		۱	خرقان بسطام شاهرود	*
		۲	حومه مرکزی سمنان	*
		۳	قهلب رستاق امیرآباد دامغان	*
		۴	حومه مرکزی دامغان	*
		۵	حومه مرکزی شاهرود	*
نیمه محروم FI=۰/۶-۰/۸	۵۲/۱	۶	میامی شاهرود	۰/۶۶۱
		۷	کلانه های شرقی میامی شاهرود	۰/۶۷۷
		۸	یاتری آرادان گرمسار	۰/۶۷۸
		۹	دامن کوه مرکزی دامغان	۰/۶۹۶
		۱۰	کهن آباد آرادان گرمسار	۰/۷۰۰
		۱۱	حومه مرکزی گرمسار	۰/۷۰۵
		۱۲	لجران مرکز گرمسار	۰/۷۱۷
		۱۳	رودبار مرکزی دامغان	۰/۷۲۷
		۱۴	قهلب صرصر امیرآباد دامغان	۰/۷۴۷
		۱۵	چلشم مهدی شهر سمنان	۰/۷۷۶
محروم FI=۰/۸-۱	۴۷/۹	۱۶	رضوان میامی شاهرود	۰/۷۷۷
		۱۷	فرومد میامی شاهرود	۰/۷۸۹
		۱۸	کلانه های غربی بسطام شاهرود	۰/۸۴۱
		۱۹	تویه درول امیرآباد دامغان	۰/۸۵۹
		۲۰	خوارنون بیارجمند شاهرود	۰/۸۶۰
		۲۱	لاسگرد مرکزی سمنان	۰/۸۶۹
		۲۲	هفدر مرکزی سمنان	۰/۸۸۳
		۲۳	بیارجمند شاهرود	۰/۸۸۶
		۲۴	پشتکوه مهدی شهر سمنان	۰/۸۹۷
۲۵	ایوانکی گرمسار	۰/۸۹۹		
۲۶	ده ملامرکزی شاهرود	۰/۹۳۷		
۲۷	طرود مرکزی شاهرود	۰/۹۵۵		
۲۸	نردین میامی شاهرود	۰/۹۵۸		

۶- تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق دهستانهای استان سمنان

۶-۱ بحث و نتایج

استان سمنان دارای ۲۸ دهستان می باشد، بیشترین دهستانها مربوط به شهرستان شاهرود می باشد که تعداد آنها ۱۲ می باشد. محاسبات مربوط به درجه توسعه یافتگی در سطح مناطق روستایی دهستانهای استان سمنان به روش طبقه بندی تاکسونومی براساس برخورداری از

نتایج حاصله بیانگر این مطلب است که در مناطق روستایی شهرستانهای استان، شکاف توسعه ای بین بخشها وجود دارد؛ به نحوی که در داخل یک شهرستان بعضی بخشها برخوردار و برخی از بخشهای همان شهرستان نیمه محروم و یا محروم هستند. برای مثال در شهرستان شاهرود ۲ بخش برخوردار، ۱ بخش نیمه محروم و ۱ بخش محروم دیده می شود. فقط در شهرستان دامغان هر دو بخش آن (مرکزی و امیرآباد) در یک طبقه (برخوردار) قرار گرفته اند که به دلیل عدم شکاف توسعه بین مناطق روستایی این دو بخش شهرستان دامغان می توان مناطق روستایی آن را منجانس فرض نمود.

۴۴ شاخص توسعه به شرح جدول می باشد. نتایج حاصله بیانگر آن است که مناطق روستایی در سطح دهستانهای خرقان بسطام شاهرود، حومه مرکزی سمنان، قهاب رستاق، امیرآباد دامغان و حومه مرکزی شاهرود به دلیل برخورداری بیشتر از شاخصهای توسعه (۴۴ شاخص در نظر گرفته شده در این تحقیق) نسبت به سایر دهستانهای استان سمنان به عنوان عناصر ناهمگن ۱۰ شناخته شده و در روش تاکسونومی حذف می گردد. مناطق دیگر دهستانها از نظر سطوح توسعه همگن اند. پس از کنار گذاشتن مناطق دهستانهای ناهمگن (۵ دهستان) در نهایت سطح توسعه یافتگی ۲۳ دهستان مورد سنجش قرار گرفت که با توجه به میزان توسعه یافتگی به ۳ دسته برخوردار (۰-۰/۶) نیمه محروم (۰/۸-۰/۶) و محروم (۰/۸-۱) تقسیم بندی شده است.

در بین مناطق دهستانهای استان سمنان، دهستان میامی شاهرود با ۰/۶۶۱ درجه توسعه، توسعه یافته ترین (ولی در عین حال در رده نیمه محروم قرار می گیرد) و دهستان نردین میامی شاهرود با ۰/۹۵۸ درجه توسعه محرومترین دهستان استان سمنان هستند. همچنین تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق دهستانهای استان نشان می دهد که ۱۲ دهستان نیمه محروم و ۱۱ دهستان محروم هستند. (جدول شماره ۱-۱-۶)

در مناطق روستایی بخشهای استان شکاف توسعه ای بین دهستانها وجود دارد به نحوی که توسعه یافته ترین و محرومترین دهستان هر دو مربوط به یک بخش (میامی) می باشد. مثال دیگر مربوط به دهستانهای مرکزی سمنان می باشد که یک دهستان ناهمگن و دو دهستان محروم می باشند. از آنجایی که درجه توسعه یافتگی برخی از مناطق دهستانهای استان بسیار نزدیک به یکدیگر است می توان این دهستانها را به عنوان مشابه در نظر گرفت به عنوان مثال مناطق روستایی دهستانهای میامی و کلاته های شرقی، یاتری و دامن کوه (از طبقه نیمه محروم) و یا مناطق دهستانهای ده ملا، طرود، نردین (از طبقه محروم) به منزله دهستانهای متشابه تلقی می شوند.

همچنین ۵۲/۱ درصد مناطق روستایی استان سمنان در دهستانهای نیمه برخوردار و ۴۷/۹ درصد در دهستانهای محروم قرار دارند.

۷- نتیجه گیری

با استفاده از ۴۴ شاخص توسعه که آمار و اطلاعات آن بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، شناسنامه دهستانهای کشور تهیه و جمع آوری گردیده است و با روش تاکسونومی عددی، درجه توسعه یافتگی، مناطق روستایی ۴ شهرستان، ۱۱ بخش و ۲۳ دهستان استان سمنان به طور مجزا محاسبه و تعیین گردید؛ بدین ترتیب علاوه بر مشخص شدن میزان نسبی توسعه یافتگی مناطق روستایی هر یک شهرستانها و بخشها و دهستانهای استان تفاوت بین آنها و رتبه هر یک از آنها نیز معین شده است.

تحلیل حاصل از این بررسی بطور خلاصه به شرح زیر می باشد:

۷-۱- در بین نواحی روستایی شهرستانها و بخشهای استان همگنی وجود دارد ولی در بین دهستانها، ۵ دهستان (خرقان، حومه سمنان، قهاب رستاق، حومه دامغان، حومه شاهرود) از لحاظ سطح توسعه ناهمگن بوده اند. به عبارت دیگر از شاخصهای توسعه نسبت به سایر دهستانها برخوردارتر بوده اند.

- ۵- تودارو، مایکل، ۱۳۶۶، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه صص ۱۳۵.
- ۶- حسینی، میرعبدالله، ۱۳۷۰، مقایسه درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی استانهای کشور با استفاده از روش طبقه بندی تاکسونومی، ماهنامه جهادسازندگی سابق، سال شانزدهم، شماره ۱۸۵-۱۸۴ صص ۵۱.
- ۷- زیاری، کرامت الله و دیگران ۱۳۸۰، سنجش درجه توسعه یافتگی روستاهای استان یزد (به روش تاکسونومی عمومی)، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه جغرافیا و توسعه صص ۱۱۶-۱۱۲.
- ۸- میردال، گونار، ۱۳۶۶، درام آسیایی، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات امیرکبیر صص ۳۱۵.
- ۹- جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به منابع ۲، ۱، ۶، ۷.
- ۹-۱- همچنین مراجعه شود به زیاری، کرامت الله، اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه‌ای انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۷۸.
- ۱۰- جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به منبع ۶ در این تحقیق که درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی استانهای کشور با استفاده از روش تاکسونومی براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ صورت گرفته است، مناطق روستایی استان سمنان براساس شاخصهای فرهنگی و اجتماعی رتبه شش، براساس شاخصهای اقتصادی رتبه هفتم و شاخصهای جمعی و زیربنایی رتبه دوم را در کشور در بین ۲۴ استان کسب کرده است.
- ۱۱- داده‌های این تحقیق از سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، شناسنامه دهستانهای کشور، استان سمنان، صص ۱۳-۱۱ استخراج شده است.

پی نوشت ها:

- 1- Gonar Mirdal
- 2- Michael Todaro
3. Analysis Taxation
4. Flow Analysis
5. Gravitional Analysis
6. Analysis Taxation

- ۷- مطالب این قسمت از (آسایش، ۱۳۷۵ صص ۱۱۹-۱۱۰ و زیاری و دیگران ۱۳۸۰ صص ۱۱۶-۱۱۲) استفاده شده است.
- ۸- منظور از همگنی (منطق مورد بررسی به دلیل برخورداری و عدم برخورداری از شاخصهای توسعه نسبت به سایر مناطق مورد مقایسه به عنوان عناصری که با هم متجانس و متشابه باشند) است.
- ۹- در اینجا منظور از تشابه نزدیک بودن درجه توسعه یافتگی مناطق می باشد.
- ۱۰- منظور از ناهمگنی، به مناطقی که به دلیل برخورداری و یا عدم برخورداری از شاخصهای توسعه نسبت به سایر مناطق متشابه و متجانس نباشند اطلاق می شود که در این بررسی ۵ دهستان ناهمگن، همگی از شاخصهای توسعه نسبت به سایر دهستانها برخورداری تر بوده اند.

۷-۲- مناطق روستایی شهرستان شاهرود نسبت به سایر مناطق روستایی شهرستانهای استان سمنان از نظر شاخصهای مورد بررسی در حد بالایی از توسعه قرار دارند. نکته دیگر این که با وجود مرکزیت استانی شهرستان سمنان، مناطق روستایی این شهرستان بعد از شاهرود و دامغان قرار گرفته اند.

۷-۳- در درون مناطق روستایی شهرستانهای استان شکاف توسعه‌ای بین بخشها وجود دارد، فقط عدم شکاف توسعه بین مناطق روستایی ۲ بخش شهرستان دامغان مشاهده می شود و یا به عبارت دیگر می توان گفت که از نظر شاخص توسعه یافتگی اختلاف درون بخشی بین مناطق روستایی ۲ بخش (مرکزی و امیرآباد دامغان) مشاهده نمی شود.

۷-۴- در درون مناطق روستایی بخشهای استان شکاف توسعه‌ای بین دهستانها وجود دارد به نحوی که توسعه یافته ترین و محرومترین دهستان هر دو مربوط به یک بخش (میامی) می باشد که این موضوع علاوه بر نشان دادن عدم تعادل‌های منطقه‌ای، نمایانگر نبود تعادل‌های درون منطقه‌ای نیز می باشد.

۷-۵- با افزایش سطوح مقایسه (از بخش به دهستان) به مناطق ناهمگن برخورد می کنیم.

۷-۶- با افزایش سطوح مقایسه مناطق روستایی (از شهرستان به بخش و دهستان) به میزان محرومیت مناطق افزوده می شود.

۷-۷- باید توجه شود که این مقایسه درون استانی است، لیکن در مقایسه بانواحی روستایی استانهای مختلف کشور، کلا استان سمنان از لحاظ برخورداری از شاخصهای توسعه در رده قابل قبولی قرار دارد. (رجوع به منبع شماره ۱۰)

۷-۸- به منظور توسعه روستایی در استان سمنان می بایست با اتخاذ برنامه‌های توسعه‌ای با توجه به مشخص شدن درجه شکاف، دوگانگی و جایگاه توسعه‌ای مناطق به شاخصهایی که از لحاظ توسعه‌ای در وضعیت نامناسبی قرار دارند توجه بیشتری مبذول داشت. تا بدین وسیله بتوان عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را به حداقل ممکن تقلیل داد تا در میان مدت بتوان بخشهای محروم را به نیمه محروم و بخشهای نیمه محروم را به برخورداری تبدیل کرد همچنین در اتخاذ هر نوع راهبرد توسعه مناطق باید قابلیت‌های فنی و فن آوری و شرایط فرهنگی و اجتماعی مورد نظر قرار بگیرد.

منابع و یادداشتها

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی و دیگران ۱۳۸۰، تعیین درجه توسعه یافتگی نواحی روستایی سیستان و بلوچستان به روش طبقه بندی تاکسونومی مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره پیاپی ۱۳ اردیبهشت ماه.
- ۲- آسایش، حسین، ۱۳۷۵، اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه‌ای، انتشارات دانشگاه پیام نور صص ۷۱، ۶۵ و ۷۲.
- ۳- آسایش، حسین، ۱۳۷۴، کارگاه برنامه ریزی روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور صص ۸ و ۹.
- ۴- تقوایی، مسعود و ضرابی، اصغر، ۱۳۷۷، آشتگی توزیع خدمات روستایی و نحوه سامان‌دهی آن مطالعه موردی شهرستان گجساران، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، پاییز و زمستان ۷۷ صص ۱۵۸.